

مرام دموکراتیک خلق

سال آیین جل ۱۳۴۵



وطن محظوظ ما افغانستان ، تاریخ کهن ، سنن پرافتخار ، نیروهای انسانی و ترکوهای طبیعی فراوان دارد .

افغانستان طی قرن ۱۹ و چنددهه قرن ۲۰ یک کشور مستعمره - نیمه مستعمره و تاکنون یک کشور دارای نظام اقتصادی - اجتماعی فیودالی میباشد .

ملت ستمدیده این کشور ، سخت ترین وجا برانه ترین نوع استبداد و استثمار چهل و فقر را ذیر چنگکمال فیودالهای حاکم محلی و مهاجمین استعمارگر بریندازیا متتحمل شده‌اند .

قیام ملی (۱۹۱۹) خلقهای افغانستان که با شتراله تمام طبقات ذمته‌کش مردم صورت گرفت بسلط مستقیم استعما در کهن پایان داد و یکی از خلقهای زنجیر امپریالیزیم بین المللی دادرین گوشة جهان قبل از هر کشور دیگر آسیایی درهم شکست .

از آن تاریخ تاکنون چهل و هفتاد سال میگذرد . طی این مدت ، طبقات خلقهای محروم کشور و مبارزان ملی ما ، مشروطه خواهان و آزادی خواهان ، برای طرد نظام فیودالی (ملوک الطوایف) ، داستبداد و ارتقای داخلي ، ریشه کن ساختن استعمار و امپریالیزیم مجا هدات دلیرانه نمودند که به کمال تأسیس بنابر نبودن شرایط مساعد ملی و بین المللی مؤقتاً مواجه بشکستهای رقت بار گردیدند و قدرت فیودالهای فرمایر وای محلی (طبقة حاکمه) و مخالف حاکمه آن همچنان پا بر جا ماند و تضاد اساسی بین دعاوان و فیودالهای تضاد بین خلقهای کشور و امپریالیزیم را شد .

تاریخ ، رسالت حل این تضادهای اساسی را بهمراه نیروهای متفرق و وطنپرست با تحقق مرام دموکراتیک خلق گذاشته است .

شرایط بین المللی و ملی :

مضمون عمده دوران معاصر و محور مبارزه طبقاتی در مقیاس جهانی همانا مبارزه سوسیالیزیم جهانی و امپریالیزیم جهانی میباشد که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آغاز گردیده است .

در این مبارزه دو سیستم جهانی ، نهضت زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری رو باستحکام میروند و چنینهای آزادی بخش ملی ملک آسیا و افریقا و امریکای لاتین توسعه می‌یابد .

بعد از چنگک جهانی دوم جریان عظیم و نیرومند چنینهای آزادی بخش ملی سیستم استعماری امپریالیزیم را در هم پیچید و بیش از پنجاه و سه کشور مستقل چندیداً با بهره وری وجود گذاشت که بسیاری از آنها بشمول افغانستان در یک صفت به تشکیل دولتهای ملی و اتخاذ سیاست بیطریقی برای احراز استقلال اقتصادی و استحکام استقلال سیاسی خود را کوشش اند .

تفییر در تناسب قوای بین المللی بدفع صلح ، دموکراسی ، استقلال ملی و ترقی اجتماعی وضعی امپریالیزیم را در هم پیچید و بیش از پنجاه و سه کشور مستقل تاحیات ملی خود را تجدید کشند ، به استقلال اقتصادی نایل آیند و از طریق ایجاد دولت دموکراتی ملی و اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری تسلط امپریالیزیم را ریشه کن سازند و نظامات و بقایای قیودالیزیم را طرد کنند و با برحله نوین تکامل اجتماعی بگذارند .

جریان تکامل ملک کشورهای جدید التشكیل آسیایی و افریقا یی میین این حقیقت است که هم اکنون بعضی ازین کشورها (مصر ، الجزایر ، گینه ، مالی ، برما و غیره) سوسیالیزیم را به عنوان یک سیستم سرشق مأخذ قرارداده اند و بر اساس راه رشد غیر سرمایه داری و ایجاد شکلی از دولت دموکراتی ملی در یک دوره کوتاه آزادی نتایج درخشانی از لحاظ ارتقای سطح حیات خلقها و رفاه و ترقی اجتماعی بدست آورده اند .

مؤجز ایشکه با توجه بوضع مسائل بین المللی و توسعه روز افزون سیاست همزیستی مسالمت آمیز و چلوگیری از چنگک ذر وی و برتری نیروهای ایصالی صلح و سیستم های متفرقی و نوین جهانی ، بررسی اوضاع جهان نشان میدهد که جریانات بین المللی کاملاً بدفع خلقهای محروم ملک کشورهای ایسیایی ، افریقا یی و امریکای لاتین تغییر کرده و بخصوص برای خلقهای ملت ستمدیده افغانستان امکانات واقعی آزادی از قید ارتقای سطح حیات خلقها و رفاه و ترقی ایجادی داده اند .

این وضع مساعد از نظر ملی خاصه بعد از لویه چرگه (۱۳۴۳) که باراده خلقهای افغانستان بوجود آمد باعث تغییرات نسبی در حیات سیاسی و اقتصادی کشور گردید .

در این فیصله لویه چرگه ، مبارزات مسالمت آمیز خلقهای افغانستان بالتفصیل در یک مرحله جدید از روابط بین المللی وارد شد و مشی سیاست خارجی کشور (در صفحه ۲۰)

ناشر افکار دموکراتیک خلق

شماره ۳۹۱ - دو شنبه ۲۳ حمل ۱۳۴۵ هـ - ۱۱ اپریل ۱۹۶۶ ع

داغستان دستمد یده خلکو دار دو
رنشوون په خاطر

د خلق دموکراتیک مرام

ذمنه گران هیواد افغانستان ، لر خونی تاریخ ، له ویاده دک دو دو نه اوذیات انسانی قوتونه او طبیعی تر و تونه اری .

افغانستان دنو لسمی بیمه به قوله موده اود شلمی بیمه به خو اسو کلو نو کنهی یو مستعمره - نیمه مستعمره هیوادو او تراوسه پوری اقتصادی - اجتماعی فیو دالی نظام اری .

دهی هیواد ستمدیده ملت دمحلی حاکمو فیودالاون او بر تا نوی بر گلکرو استعمار چیانو تر منگلو لاندی دفتر ، ناپوهی ، استعمار او استبداد دیر ساخت او چا برانه دلو نونه کمالی دی .

داغستان دخلکو (۱۹۱۹) کال ملی قیام چه دقو لو زیار ایستونکو طبقو به گیون منع ته راغی دزامه استعمار مستقیم تسلط تهی خاتمه ور کوه اود نهی به دی گویه کنهی بی ترقه لو آسیایی هیوادو دومبی دین المللی امپریالیزیم دزنهیر یوه کری هاته کره .

له هنی نیقی تراوسه بوری ۴۷ کاله تیر شول . به دی موده کنهی دی هیواد دمحروم و خلکو طبقاتو ، ملی مبارزینو ، مشروطه خواهانو او آزادی خوبنکو دفیوهای (ملوک الطوایف) نظام دور کواو ، دداخلي ارتقای او استبداد دله منجه وله لو اود استعمار او امپریالیزیم درینه دایستولو اپاره به زه ور تیا مجا هدی کری دی .

خو له بده مرخه دملی او بین المللی مساعد و شرایط داشتوالی له امله مؤقتاً له گمجنو ناکامیو سره مخانع شول اود فرمایر دا فیودالاون (حاکمی طبقی) او دهه دحا کمه مخالفلو قدرت هماغسی به خپل حال باتی شوچه بدی تو گه دیز گرو او فیودالاون دخلکو او امپریالیزیم تر منع اساسی تضادونه لاشت و مونه .

تاریخ دخو اساسی تضادونه دخلکو دامدو کراتیک مرام به تاریخ دخو اساسی تضادونه دخلکو په خاده اینې دی .

بین المللی او هلی شرایط :

داوسنی هصرمهم مضمون او به جهانی سویه دطبقاتی مبارزی مخورد دجهانی سوسیالیزیم او جهانی امپریالیزیم تر منع مبارزه ده چه دکتو بر په ستر سوسیالیستی کنهی دزیار ایستونکو نهضتونه استحکام مومی او دا آسیا ، افریقا اولاًتیهی امریکی دا آزادی خروج شوی ده .

دخو دوو جهانی سیستم تو ده مبارزی له امله به سرمایه داری هیوا دنو کنهی دزیار ایستونکو نهضتونه استحکام مومی او دا آسیا ، افریقا اولاًتیهی امریکی دا آزادی خوبنکو جنښونه په اخیه دی .

تر دوهی جهانی چنگی و روسته دملی خپلواکی خوبنکلو سفر او غنیمتی جریان دجهانی امپریالیزیم استعماری سیستم سره و نهضت او له (۵۳) ځیه زیات نوی خپلواک هیوا دنوه منع ته راغی ده اغلل چه داغستان به گیون اکثره دغه هیوادو نه دملی دو لتوونه په تشکیل او ده بی طرفه دسیاست به غوره کو لوسره د اقتها دی خپلواک کی دحصول او سیاست آزادیه د ټینګلو لو دباره په یوه صف کنهی کوهین کوهی .

د سولی ، دموکراتی ، ملی استقلال او اجتماعی بر مهندیکه به گهه دین المللی قواؤ دتناسب بد لون او د امپریالیزیم ضعف دا آزاده هیوا دنو ملتوونه بوه داسن په اخیه زمینه بر ابروی چه خپل ملی ژوند نوی کری ، اقتصادی خپلواکی به لاس راوه دموکراتی داده ایجاد او دغیر سرمایه داریه دودی له لاری (باتی په دوهم مخ کنهی)

مراہد موکراتیک ...

بر مبنای سیاست بیطری و صلحخواهی و پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز و ضدیت استهمار کننه و نو و امپریا لیزم و عدم احراق در بلوکهای نظامی مورد قبول و تائید مردم افغانستان طبق خواسته های تاریخی آنها قرار گرفت.

این خط مشی جدید افغانستان موجب آن گردید تا تعاوون و کمکهای بیغرضانه و متساوی حقوق کشورهای صلح دوست جلب شود و بکار اندختن فیروزهای بشری و قریبی اینکه مملکت مطابق پلنهای انکشافی و تقویه سکتهور دولتی و ناممین استقلال اقتصادی آغاز گردد و امکانات و شرایط لازم را برای ایجاد حکومت دموکراتی ملی و راه رشد غیرسرمایه داری در افغانستان تدارک بیند.

عمل عمده کنندی رشد قوای تولیدی و اوضاع رقابتار خلق پای افغانستان که در فقر، جهل و مردن دست و پا میز نشده همانا. قسلط اقتصادی و سیاسی طبقه فیودال قشر عای تپار بزرگتکر و کمپرادور، بود و کراتهای فاسد و نمایندگیهای انحصارات امپریا لیستی بین الملیست که منافع طبقاتی آنها با مصالح توده های خلق افغانستان در تضاد است.

حل این قضایا اساسی است که در مرحله موجود محتوی عمدۀ جنبش دمکراتیک عمومی و ملی افغانستان را تشکیل میدهد.

ایجاد حکومت دموکراتی ملی پهپادیت یک هدف استراتژیک و پهپادیت یک سلاح حل این قضایا اساسی دورنمای درخشان و وسیع رادر برای ملت افغانستان که از لحاظ اقتصادی عقب مانده است افتتاح می نماید .

پایه سیاسی حکومت دموکراسی ملی افغانستان متشکل خواهد بود از جمهوری متحده ملی عوامی فدراتی نرقی خواه دموکراتیک و وطنپرست یعنی کمارگران، همانا ن، منورین مترقبی، اهل حرف، خرد، بورژوازی (مالکین خرد و متوسط) و بورژوازی ملی (سرمایه دار ملی) که در راه استقلال ملی، تمدنی دموکراسی در حیات اجتماعی و بیان رساندن چنین دمکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیوکالی مجبوره ملی و دموکراتیک می نهادند.

چریده خلق مردم دموکراتیک ذیل د ۱ که باسas تحلیل علمی شرایط ملی و بین المللی تنظیم شده و مظهر آرما نهای خلق ز جمهوری افغانستان (بیش از ۹۵٪ فیصد نفوس هم‌ملکت) بهمنی طبقه کارگران و دهقانان و منو رین متر قیمت به پیشگاهشان تقدیم می‌نماید و در راه تحقق آن مبارزه می‌کند.

اول : امور سیاسی

مسئله اساسی ایکه درین مرحله تاریخی خلقهای افغانستان با آن مواجهه اند و حل آن بغیر وعقم مانندگی که قرون متواتی دامنگیر آنهاست پایان میبخشد همانا المای نظام فیودالی و جلوگیری از بسط و نفوذ امپریالیزم است که با ایجاد دمکراسی ملی بصورت ذیل تحقق می یابد :

۹- دفاع از هماجعی ارضی و استقلال سیاسی افغانستان و تأمین استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی کشور عظیمترین وظیفه ملی و دموکراتیک خلق بشمار میرود .

۴۷- مقدمه کن ساختن تمام قوای دولتشی دودست خلق است
استه حکام حاکمیت خلق بشکل ایجاد یک حکومت دموکراسی ملی .
حکومت دموکراسی ملی از نظر ماهیت طبقاتی و عملی خود بر جمیع قدرتهای
تر قیخواه دموکراتیک و ملی جماعتی یعنی کارگران ، دهقانان ، منورین . متوجهی
اهل حرفة ، ما لسکان خرد و متوسط شهری و دهاتی با تجاه سرمایه داران ملی
و اشراف و متوسطه ملی) تک بند و مخالفانه ناقلانه و مخالفانه

دستوری است که نمایندگان تمام طبقات خلق افغانستان از طرف خود شان بر اساس انتخابات آزاد، سری، مستقیم، مقسماً و عمومی بدهون مبدأ خلمه آشکار و مخفی و تهدیدی و قطعی میگردند.

هیأت حکومت در دموکراسی ملی از طرف شوری ایجاد گردیده و از اعمال آن دقیقاً نظارت میکشد.

۴- برای تأمین استقلال قوه قضائیه و تنظیم امور قضائی و محاکماتی بر مبنای اصول دموکراتیک، بخاطر مصونیت و آزادی خلقهای کشور مجهاده صورت میگیرد.

۵- استقرار دموکراسی ملی در شرایطی امکان پذیر است که خلقها از آزادیهای

دموکراتیک و سیمیع سیاسی و مدنی آتی برخوردار باشند: آزادی فکر و عقیده، بیان، قلم و مطبوعات، آجتماعات، تشکیل احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، اعتصابات، تظاهرات، مسافرت، انتخاب شغل و کار و مصوّریتهای فردی، مسکن، مخابرات و حق دفاع در مقابل اکم، حق انتخاب کردن برای افراد مملکت که سن ۱۸ تکمیل کرده باشند، حق انتخاب شدن در تمام موسسات دموکراتیک (از جرگه‌های قری گرفته تا شوری)، مساوات در برابر قانون محکم و اشتغال به مشاغل دولتی.

د (خلک) د موکراتیک ...

د) هپر یا لیز م تسلط له منځه یوسی ، دفيو ټالیزم نظامونه او بقايانه محو کاندي اود اجتماعي تکامل په یوه نوي مرحله کېښي قدم کښېږدی .

د آسماي او افر يقابي نوو تشكيل شويو هيوا دو دتكامل جريان دا حقيقت
خر گندوي په همدا اوسمينو دغه هيوا دو (مصر ، الجزاير ، گيني ، هالي ، برماء
او نوردو) سوسياستي سيسقت دسرمشق په حيث خپل ما خذ گفلي دي او د خپلوا کي
به یوی لنډي موده کښي بي ديو ټول ملي دمو کراسې دولت جو ده لو او د
غېرسرمایه ۱۵۰۰ لاري به اساس دخلکو دهو سایئنۍ او د ژوند دسطحي دلوره تیا او
اجتماعي ترقۍ به لحظه دوبهانه نتیجې په لاس راوړي دي .

لنهه داچه د بین امللی مساعدو شرایطو او به روغه سره د گهه ژوند د سیاست
براختیما، ذروری چنگک د منیزی ده بازه فعالیت، د سولی دقواو تفوق او د جهان
دنو و مترقی سیستمونو په ظر کېپی نیو لوسره، د نړۍ د اوضاعو خیپی نه د اخرينکندوی
چه بین امللی جريما ناتسو په بشپړه توګه د آسیا، افریقا او لا تینی امریکا
دهیوادو د محروم خلکو به گټه تغییر خوړه لی دي او به خاص ډول د افغانستان د ملت
دسته مدیده خلکو لپاره به واقعی ډول دا امکانات برابروی چه د فیو ۴۰ لی اړ تجا
له قیدا و د امپریا لیز ۳ او استعمار د هو املو له قاچیر او نفوذ خشنه محملن آزاد
کړي.

به ملی لحاظ دغی مساعده و ضعی په تیره بیا ۱۳۴۴ کال له لویی جوگی و دوسته چه داغنا نستان د خلمکو به اراده منع ته را غله، د مملکت په سیاسی او اقتصادی ژو ند کښی بی یو نسبی تغییر (او و سنت.

د لوبي چرگي د فيصله به از داغستان د خلکو مسالمت غوبهتو تکو مبارزو نسبتاً
د بین المللی روابطو به یوه توی مرحله کېنې شای او د هیواد د باندې د سیاست
خط مشی د بیطریقی اوسو لی غوبهتو، به روغه سره د گهزو نه له سیاست شخنه بېروي
دنوي او زاده استعمار او امپریا لیز سره ضدیت او په ئظامی بلاکو تو کېنې د گهزوون
به اساس داغستان د خلکو له خوا ده هوی هزار يخنی غوبهتنو او هیلو سره سرم تایید او
و مثل شو .

بی غرضه او همراهی حقوقی تعاون او هرستی جانب شی اوددو لایقی سکنی دستور دتفو بی،
دقتصادی خپلوا کی دامین او انکشافی بلانو نوبه اساس دهیو ادب شری قو تو ته
او طبیعی ثرو تونه بسکار ولوینی او دغیر سرمایه داری دودی اولملی دمو کر اسی

حکومت داییجاد له باره لازم شرایط اوامکانات منع تهراو همی دتو لیدی قواؤ دبختی ودی او داغفانستان دخلکو دتریخ زوندجه به فقر، نا بوهی او ناروغی کنه لاس او بشی وهی ستر علمتو نه هماغه دفیوچه ای طبقی، دلو بو محکمکرو او کمپرادور سوداگر و او فاسدو بوروکراتانو قشر و نه او دین امللی امپر یا استی انحصار او نمایندگیو اقتصادی، سیاسی تسلط هی چه دهه‌ی طبقاتی گهی داغفانستان دخلکو له بشیگندو سره نضاد لری .

ددی اساسی تضاد حل دی چه به اوستی، مرحله کنیی دخناستان دعموی او ملی
دمو کراتیک نهضت ستر مضمون تشکیلوی.

دافتارستان دهلي دمو کراسى حکومت سیاسى بنست به له یوی ملي متحده جمهوری
خشنه متشکل وي چه به هفی کښي قول دمو کراتيمک ترقی فوېتو نکي او و طن پرست
قوتونه يعني کارگران ، دهقانان ، مترقبی مهندسين ، کاسپيان ، کوچني بو رژوازی
کو چني او متوسط مالکين) او ملي بورژوازی (ملي سرمایه داران) ګډون لري چه
دهلي استقلال ، به اجتماعي ژوند کشي د دمو کراسى د تعميم او د فيو هايم او
امپر با ليزم به ضد د دمو کراتيمک نهضت دسر ته دسو لو به لار کښي ملي او د یمو کراتيمکه
مجاهده کوي .

د خلخ جریده لاندنی د یمو کراتیک مرام چه دملی او بین المللی شرایط و د علمی تحملیل بر اساس تنظیم شوی او د افغانستان د زیارایستونکو خلکو (د هیوا د به سلو کشی له ۹۵ خیج زیات نفووس) یعنی د کارگران و د طبیقی، بزگر انو او مترقبی منور زینو دارمانو نو مظہر دی، غفوی، و مهندسی او د تحقق به لاره کشی بی مبارزه کوي.

اول : سیاسی چاری

دی او بعده حل ددوی فقر اور وستہ باتی والی چہ اہر لہ بسی ہے یو را ہیسی ہی
شفہ اساسی مسئلہ چہ پہ دی تاریخی مرحلہ کمی دافنا نستان خلک و رسرہ میخانج

دموکراتی دنیو لی ده پایه هه رسوی عبارت ده :
دفیوچالی نظام له الها او دامپر یا لیزم دپراختیما او نشوذ مخ فیوی چه به لافندی
چولدملى دیموکراسی په ایجاد تحقق هو نهلاي شی :

د(خلک) دمو کراتیک...

۱- داغفانستان له حکمکنی تامیت او سیاسی استقلال خنخه دفاع او دهیواد اقتصادی خپلواکی او دملی حاکمیت تامین دخلکو دمو کراتیک او ملی خور استره وظیفه گله کیهی .

۲- دخلکو به لاس کنهی دقو لو دولتی قواو متمن کز کول .

دخلکو دحاکمیت استحکام دیوه ملي دمو کرا سی حکومت دایجاد به شکل . ملي دمو کراسی حکومت دخل طبقاتی او ملی ماهیت له ملی دقو لنی بر قو لو ملي دمو کراتیکو ، ترقی غوبنتونکو قدرتی غوبنتونکی کارگرانو ، دهقانانو ، مترقی منورینو ، کاسبانو ، پهاری او کلمبیا لی کو چنیو او متوسطو هاکینو او دملی سرمایه دار انو به اتحاد (دیوه ملي متعدد جبهی به توکه) متکی دی او دخلکو اسا سی گهی ساتی او تامینیو بی .

۳- به ملي دمو کراسی کنهی دقانون جومه لو ترقه لو لونه مقام او دخلکو دارادی مظہر شوری ده په به هفی کنهی داغفانستان دخلکو دقو لو طبقو نما ینه گان آزادو ، بقو ، مستقیمو ، مقساهی او عمومی انتخابات پر اساس به له هر دوں پقی او پسکاره مداخلي ، تهدید او تطمیع خنخه انتخاب پنهانی .

۴- به ملي دمو کرا سی کنهی دحکومت هیأت دشوری له خوا منع ته را می او دهقه له اعمالو خنخه به دقیقه توکه نظارت کوی .

۵- دهیواد دخلکو د آزادی او مصو نیت له بازه د د دمو کراتیک او اساس دقتضا بی قوی داستقلال د تامین او دقتضا بی او معما کماتی چا دو دنظامیم له باره مجا هد کیهی .

۶- د ملي دمو کراسی استقرار به هفو شرایطو کنهی امکان لری چه خلک دلانه نیو برخ دمو کراتیکو سیا سی او مد نی آزاد بخنه برخوداره وی : د فکر ، عقیدی ، بیان ، قلم او مطبوبه هات ، قولنو ، دیبا سی گونه ونو تشکیل داتحادیو ، اعتمادیونو ، مظاہر او مسافر تونو آزادی ، دکار او شغل انتخاب دھنوه وکی وله پاره چه عمری ۱۸ کاله وی دانهبا بو لو حق او بقو لو دمو کراتیکو مؤسسا تو کنهی (دکلیو ل) چرگو خنخه نیو لی ترشوری بوری) دانهخاباید لوحق دقانون ، محکم او نوردو دو لئی شفلو تو به برخ کنهی مساوات .

۷- داغرا دو دقو لو دمو کراتیکو سیا سی او مد نی حقوق او آزاد بخنه بی له گو نوادی ، قومی ، منطقه وی ، مذہبی ، چنن (نراو بنهی) سواد ، شغل او شتمنی له تبعیض خنخه دیوه مبرمی وظیفی به حیث به جدی توکه دفاع کیهی .

۸- د ملي مسأ لی دعلمی درک به نظر کنهی نیو لو سره ، افغانستان یو داسی هیواددی چه زیاره ایستونکو خلکو او قو مو لو خنخه چه ملي بیل بیل کلمتورو نه لری تر کیب شوی چه گلهه بی دبرله پسی بیه بو به مو د کنهی

رموهی هیواد تشکیل کری او پکنهی او سید لی دی او دکه ژونه به ترش کنهی بی به متعدد دول دمشتر کو در دوونو به احسان داستمار او فیو دالیز ۳ په ضد مبارزی

بر منع بیو لی دی خود فیو هالی ناوی اهاری او امپریا لاسقی سیا ستون او د تبعیض او محرر و میتو نو د مو جو دیت به تبعیض کنهی د افغانستان تو ل خلک

نیو اوزی له خبلو حقوق او آزاد بخنه معروف شوی دی بلکه دغه تو ل ارجاعی سیا ستونه دخلکو د ملي اتحاد او دقو لنی دترقی به لاره کنهی دسته مانع به حیث

در بد لی دی . نو افغانستان دهولو ذیا دایستونکو ولو نوا اتحاد او بودالی د معرو و مو طبقو دکه د تامین به اساس دورو دکلهه او مساوات داصل له مخفی

دهر دوں ملي ستم او قومی تھو غوبنتی لکه نوادی ، قبیلوی ، منطقه وی او محلی تما یلات چه ملي نفا منع ته راولی به ضد قولانه خبره مجا دله د دمو کراسی

حکومت او دخلکو دمو کرا تیکه متقدی او ملی دیو دی د استحکام

په منظو رهخه کیهی چه د د دمو کراسی داصوا لو به اساس دقانونه لاره کنهی دهیواد براسا سی تشکیلا تو باندی داقتاصادی ، ژبني او فرهنگی دوا بطوره لاحاظه

یونوی نظر وی او دهیواد محلی چرگو او تشکیلا تی و واحد و تو ته دی چه د د دمو کراتیکو انتخابات په اثر منع ته را غلی وی پر اخ صلاحیت او دوا ک

ورکه شی او داغفانستان هزبو دمسا لی دحل لپاره دی د دمو کراتیکو اصولو بر مبنای لازم اقدامات وشی .

۸- د بر تایی امپریا لاسقی پر خلکرو به ۱۸۹۳ (ع) کال کنهی دهیواد داستماری

تش به نامه کر په داغفانستان یو سیا سی قلمرو باندی د دغه های دخلکو دارادی په خلاف تعییل او به تبعیض کنهی بی ددی هیواد دخاولی یو بخنه ور خنخه جلا

کری ، له هفی نیقی تراو سه بوری دې په تامین دخلکو داستمار او امپریا لیز ۳ په ضد ملي جنبشو نه به مداد او بر له پسی چو دهیواد دخاولی لری ، داغفانستان دخلکو

ترقی غوبنتو نکی د دمو کراتیک قوتونه « دملتو نو دسرنوشت ها کلمه د حق » داصل له مخفی دې په تامین دخلکو د جنبشو نو ملا ته کوی .

۹- د خلکو دمو کرا تیکه قو تو نه دینی افغانستان دخاولی دخاولی سیا ست تھیم او د آزاد

قتضا و په ملکر تیاد مثبتی بیطری دیسا ست ملا ته .

۱۰- د جهانی سولی خنخه دفاع او بروغه سره د گله ژونه د دیسا ست طرفداری .

(دادهای مخباری)

د (حملق) دموکراتیک

ـ د دوستاده روابط استقرار دنیا ده تو لو سوله دوستو ملتو نو او هفو دولتونو سره چه سیاسی، اقتصادی غرضونه او استعماری مقاصد و نه لری او داغستان به اقتصادی، تجارتی کنگی برخیتیا کنگی دستاوری حقوقی همکاری او مرستی به اساس کومنک کوی .

ـ د پرمخ تملیو هیوادونو او بین المللی متفرق چرباناتو سره چه دسویی، ملی استقلال، دموکراسی او اجتماعی ترقی غو چتو نسکی او دامپریا لیزم به ضد وی دندهی او دوستاده روابط تویه او برآخواهی او همدارنگه د هفو آسیا ی او افریقا ی او لاتینی امریکا د ملتونو سره چینگیک روابط چه خبلو بشپی و خپلوا کیوته دوسیدلو له باره مبارزه کوی .

ـ د بین المللی سالمو مناسبا تو دبر قراره به لاره کنگی هخه کول، او تیری کوونکو نظامی بلاکونو، اسارت راویونکو اقتصادی، تجارتی، سیاسی اتحادیو سره چه استعماری غرضونه و لری مخالفت .

ـ هجهانی چنگی دمغ نیوی له باره مجاهد، ددولتو، محافلوا و ماجرا جویانو دهنو حرکاتو او اعمالو سمدستی رسوا یی چه دجنگ آرزولری او دسویی ل دهنه خطر بیدا کوی اویا دنوره هیوادونو ملی خپلوا کی، تهدیدیدیا سلبی .

ـ دملکرو ملتونو دموسی تایید او تربشپر بین المللی نثارت لاندی دپوره بیوسی کولو طرفداری .

ـ دزمه او نوی استمار او امپریا لیق پر ضد مبارزه او دنیا ده تو مترقبی او آزادی بخشنونکو جنبشو نو ملاتی .

دوهم: اقتصادی چاری

ـ زمونه هیواد چیری طبیعی منابع او مستعدی انسانی قوای لری چه دودی دیوی مترقبی لاری به نیو لو او ددغه امکنا ناتو هخه به استفاده کیدی شی چه هبر ژر دخوارک، پوشک، مسکن، روحیا او بوهی دتمین او تهیی له نظره دخلکو دزنداده سطحی ته به بوره اندازه اوهوالی ورکی شی . خو چنگی چه افغانستان د اقتصادی او اجتماعی ساختمان په لحاظ د فیو لیز (ملوک الطوایف) تراظم لاندی دی او د فیو هالی او ما قبل فیو هالی توییدی روابط زمونه بشه قوله باندی تسلط لری فیو هالان، لوی محنتکر او کمپرادر و دسو داگران، فاسد بود و کرانان، امپریا لستی اتحادی کنگی او تجارت چه دهیواد به سیاسی او اقتصادی کمزوری ژونداده بازدی قاطع تاییر لری دهیواد دخلکو د مادی او معنوی ژونداده سطحی بی به ناوه و ضعیه و روسته پاتی ساتلی او د توییدی قوا و دودی او اقتصادی انکشاف به لاره کنگی بی ستر مواعظ ایجاد کری دی چه دکار گرانو، بز گرانو او نورو زیار ایستونکو خلکو د بی رحمانه استمار او به دغه چلو بازدی دستخت ظلم موجب گرذید لی دی .

ـ دهیواد د اجتماعی ترقی او اقتصادی انکشاف به منتظره باید دغه و ضعیه تغییر دموی او دزمه و ظلامه روابط پرخای دملی اقتصاد نوی سیستم (دنیو او عادلانه روابط پر بنیت) د قولنی دمادی نهاده تویید وونکو یعنی دخلکو دزیارا یستونکوچ لو د گوچ پراساس منع ته راشی . له دی امله همه چه د افغانستان دخلکو دمادی او معنوی تکامل د دورنمای پاره تاریخی او قساطع اهمیت لری د اقتصادی و دی دیوی داسی لاری تعقیب دی چه د اقتصادیات او فرنگی چوکه اعلاف تامین او افغانستان به صنعتی هیواد بدل کنگی شی او دهه د پرسی چبران کنگی او به بیوه نسل د ژونداده به دوره کنگی سره

ـ به دی منتظره ضروری ده چه د بشری او ملی ستی وظیفه به عنوان قولی ترقی غوښتونکی دموکراتیکی قوای او وطن پرستان : کار گران، بز گران کاسبان، مترقبی مزورین، کوچنی او متوسط مالکین د ملی سرمایه لر و نکو به اتحاد به بوه متعدده ملی جبهه کنگی، ملی دموکراسی حکومت تشکیل کنگی او دغیر سرمایه داری دودی له لاری لاندی اقتصادی سیاست دفاع او به همه عمل و کنگی :

ـ د دولتی بلان سره سه دملی اقتصاد چوکه وده او د دولتی سکتور زیاته پراختیا او تحکیم .

ـ دملی دموکراسی دبنی مادی او فنی ساختمان ددولتی بلان گذاری دیستم برله پسی انکشاف او د ملی اقتصاد بیوه مترقبی اداره ایجا بوی . له دولتی بلان سره سه دفعی اداری اساسی وظیفه داده :

ـ دخلکو له اه تیا سره سه د تویید او لکبیت تنظیم، ده تو لو دولتی او خصوصی مؤسسه او اشخاص د بی خایه او غیر اقتصادی لکبیت نو منع نیوی او کنترول، د توییدی و سایلو، سامان او مواد و موثر استعمال (باتی به پنجم مخ کنگی)

(باقیه صفحه ۳)

مرا مدموکراتیک...

دوم: امور اقتصادی

ـ کشورها دارای منابع فرادران طبیعی و قوای مستعد انسانی است که در صورت اتخاذ یک راه رشد مترقبی با استفاده اذین امکانات میتوان سریعاً سطح حیات خلقهای از لحاظ تهیه و تأمین خوارک، پوشک، مسکن، صحبت و معارف بقدر کافی ارتقا بخشید. ولی چون افغانستان از لحاظ ساختمان اقتصادی - اجتماعی در تجارت نظام فودالیزم (ملوک الطوایف) قرار دارد و روابط توییدی فیو دالی و ماقبل آن بر جامعه مامتسلط میباشد، فیو دالها، تجار بزرگ محنتکر و کمپرادور بورکراتهای فاسد، تجار و کمپنی های احصاری امپریالیستی که تأثیر قاطع در حیات سیاسی و اقتصادی ناتوان کشور داردند سطح حیات مادی و معنوی خلقهای مملکت را بوضع رقتباری عقب مانده نگهدارشته، موافع بزرگی در راه رشد سریع قوای توییدی و انکشاف اقتصادی ایجاد کردند که موچب استثمار بی رحمانه و ظلم بر توده های عظیم کارگران، دهقانان و سایر خلقهای ذمته کش گشته است .

ـ بمنظور انکشاف اقتصادی و ترقی اجتماعی مملکت باید این وضع تغییر کند و در عوض روابط کهنه غیر عادلانه سیستم جدید اقتصاد ملی (مبنی بر روابط جدید و عادلانه) بر اساس منافع مولدهای نعمات مادی جامعه یعنی توده های ذمته کش مردم استقرار یابد. بنا برین آنچه برای دورنمای تکامل مادی و معنوی خلقهای افغانستان اهمیت تاریخی و قاطع دارد تعقیب طریقی از رشد اقتصادیست که اعتدای سریع اقتصادیات و فرنگیک را تأمین نماید و افغانستان را بکشور صنعتی تبدیل کند و عقب ماندگیهای قرون متمادی آنرا با حد اکثر سرعت و آهنگی رشد در دوران ذندگی یک نسل چپران گند .

ـ باین منتظره ضرور است که بعنوان وظیفه بزرگ ملی و بشری تمام نیروهای ترقیخواه دموکراتیک و وطنپرستان : طبقه کارگر، دهقان، اهل حرفة، مزورین مترقبی، مالکین خرد و متوسط با تجارت سرمایه داران ملی در یک جبهه متعدد ملی حکومت دموکراسی ملی را تشکیل بدند و بر اساس راه رشد غیر سرمایه داری سیاست اقتصادی آنی را مورد دفاع و عمل قرار دهند :

ـ ۱- انکشاف سریع اقتصاد ملی طبق بلان دولتی و تحریکی و توسعه بیشتر سکتور دولتی، ساختمان مادی و فنی بینیان دموکراسی ملی، انکشاف مستمر سیستم پلانگداری دولتی و یک اداره مترقبی اقتصاد ملی را ایجاد مینماید. وظیفه اساسی این اداره طبق بلان دولتی عبارت است از تنظیم تویید و مصرف طبق احتیاج مردم کنترول و چلو گیری از مصارف بیمورد وغیرا اقتصادی کلیه موسسات دولتی و خصوصی و اشخاص، استعمال مؤثر مواد، سامان و وسائل توییدی، تجهیز تمازی و ترددی انسانی واستفاده صحیح از منابع مالی و ذخایر طبیعی کشور که دارایی عامه خلق بحساب میرود .

ـ سکتور دولتی اقتصاد که خصوصیت مترقبی و ضد فیو دالی و ضد امپریالیستی واستعمار نو را حايز است سلاحیست برای تحکیم استقلال اقتصادی و بایکاهیست برای توسعه دموکراسی وارتفاه سطح حیات مردم ذمته کش .

ـ در افغانستان که مناسبات و روابط کاپیتا لیستی (سرمایه داری) در نظره خود میباشد تحکیم و توسعه سکتور دولتی اقتصاد کاملاً بدفع خلق بوده و از تقدیم راه رشد سرمایه داری که برای توده های مردم پرازد نج و عذاب طولانیست جلو گیری میکند .

در زمینه انکشاف صنایع ملی :

ـ ایجاد صنایع ملی (نقیل و سبلک) و صفتی کردن مملکت بر اساس تختیک چدید، کلید حل همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی، کشور بشمار میرود .

ـ ۲- صنایع نقیل که عامل عدمه انکشاف سریع اقتصادیست استقلال ملی را استحکام میبخشد . بوجود آوردن صنایع نقیل مانند صنایع فلزسازی و ذوب آهن، پترول کاز و برق، صنایع انجینیری و ماشین سازی، کیمیا وی و استخراج معادن و همچنان احداث راه آهن و توسعه سایر خطوط موصلات از طریق سرمایه گذاریهای دولت و تخصصی قسمت عمده قروض و کمکهای خارجی درین شرکت و تمرکز آنها بدست دولت برای خلقهای افغانستان اهمیت عظیم دارد .

ـ ۳- احداث صنایع سبلک و استهلاکی بمقصد رفع حوايج عمومی وارتفاه سطح ذندگی توده های وسیع مردم ضروری بمناسبت میشود و سرمایه گذاری خصوصی در قسمت صنایع سبلک از طریق سرمایه گذاریهای مشترک انفرادی و دولتی بصورت جداگانه یا مختلط بر هنما بی دولت تشویق و حمایه میشود . دولت مسؤول حمایت تمام محصولات صنعتی ملی (خصوصی و دولتی) در برابر رقابت محصولات مشابه خارجی میباشد .

(باقیه در صفحه ۵)

د (حملق) د مو کرا تیک...

دھیواد د طبیعی ذخایر او ما لی مانا بمو خنچه چه دقو لو خلکو شتمنی گفته کیهی سمه استفاده او دانسانی قو تو تو تجهیز .

دانقتصاد دو لئی سکتور چه دنوی استعمار، فيو ۱۸ ایز ۳ او امپریا لیز ۳ پر ضد مقر قی خصو صیت لری د اقتصادی خپلوا کسی د تحکیم له باره یوه و سله او د زیار ایستونکو خلکو دزونداهه دسطوحی دلوه لو او دد مو کراسی د پراختیما لپاره یوه اوه ده .

به افغانستان کتبی چه کا پیتا لستی (سرما یه داری) روابط او مناسبات لابه نطفه کتبی دی د اقتصاد دو لئی سکتور پراختیما او تحکیم دخلکو به گهه دی او د سرمایه داری دودی دلاری د تعمیب چه دخلکو لپاره او دد د رنگونه او دعا بونه لری مدنه نیمسی .

دھلی صنایع د انکشاپ په ز هینه کتبی :

د ملی (درنو او سپکو) صنایع او بجاد او دنوي تخدمیک پراساس دھیواد صنعتی کول دقو لو اقتصادی او اجتماعی مشکلات دخل کلی شمیر له کههی .

۳- دراندہ صنایع چه د اقتصادی چه گک انکشاپ ستره اهل دی ملی استقلال ته استحکام بخپشی .

د هر نو صنایعو منبع تراویل لکه د فلز جو دلو و لو صنایع، د او سپنی و بلی کول، پترول

گزاره بريپنا، دانجمنیری او ما شبن جو دلو و لو صنایع، کیمیا دی صنایع، د کانو استخراج همدار نگه داو سپنی دلارو جو دلو او دنور و موصلاتی کربهو پراختیما چه د دو ل د سرمایه گذاری دلاری وی او دغوغه خانه گذاره د خار چو مرسته او بورنو دلو بی برخی تخصیص او دھفو قو لو تمرکز د دو ل به لاس کتبی دا غفانستان دخلکو لپاره ده ستر اهمیت لری .

۴- دعمومی امتباق درفع کول لو اود خلکو دستروه لو دزونه سطوحی دلوه لو په مقصد د استهلاکی او سپکو صنایعو واحدات ضروری گفته کیهی، د سپکو صنایعو به برخه کتبی دانفرادی او دولتی گلی سرمایه گذاری له لاری خصوصی سرمایه گذاری په گوبی یامختلط صورت د دو ل ترلا دېوونی لاندی تشویق او حمایه کیهی دو ل مسسوول دی چه د خار چي مشابه موصلولا تو درقا بت په مقابله کتبی ملی صنعتی (خصوصی او دو ل) محصولات حمایه کمی .

۵- د کو پرا نیفو نو دا بجاد له لاری دلایی صنایعو حمایه دا ویدی مودی او اینی گتی د کریدیتو نو پهور کولو بشه و رانو او کاسپا نوسه مرسته کول .

د گرهنی دانکشاپ او د گھمکو د اصلاح حا تو په ز هینه کتبی :

د افغانستان و لس هر کال مخ به زیاتوالی دی او د گرهنی تو لیدات له دفی و دی سره انمول نلری .

در رسته باتی والی او د بز گرو دستروه او استشار دوره ده دهقانی ۲ وند

ددی وضعی ستر او اساسی علت د منځیو بیهی بو د رسته باتی زراعتی تو لید دطر د تسلط او فیوه الی زامه تو لیدی رو ابط دی چه له بیوی خواه آفغانستان دخلکو د استهلاکی امتباق به تامینو لو قادر نه دی او له بلی خواه دفعه ورخ دملک او بز گر تر منع تضاده لاشد ور کوی .

دھیواد د اقتصادی او اجتماعی ترقی، ده مو کراسی د تعمیم او د زراعتی تو لیدی قواو دانکشاپ لپاره د گھمکو د د مو کرا تیکو اصلاحاتو دا جراء له لاری د او سنیو زد اعنی ذدو تو لیدی منځیو له منځی و دل ضروری شرط دی .

ملی د مو کراسی حکومت د گھمکو د اساسو د مو کرا تیکو اصلاحاتو د مرسته رسو لو په منظور دزور و علمی کتفو او مطالعاتو پراساس دلا ندنیو کلی اصولو اجر اه عملی کوی :

۶- د اجتماعی عدالت پر بنسټ د افغانستان د بی ځمکوا او لپ ځمکو بز گرانویه گهه دقو لو بز گرانو به گلدون د ځمکو د اساسی اصلاحاتو اجراه او د دمو کرا تیکو متفرقی قوانینو وضع چه قول فيو ۴ الی نظم امات او مؤسسه ملګه کیهی ، د زیار ایستو نسکو بز گرانو استشار او فقر له ریښی محو کړی او دھیواد د زراعتی محصولات تو سطحه په پراخه اندازه زیاته کړی .

۷- د متوضو او لپ ځمکو لرو نکو بز گرانو حمایه او مرسته او د دوی د مالکیت تضمین، خوبه صحیح او بوره چول له خپلوا ځمکو خنځ، گټه واخلي او د اقتصادی او کلمکوری ژوند سطحه، یو لوډه شی .

۸- د متوضو او لپ ځمکو لرو نکو، اجراه اخیستونکو او هفو بز گرانو چه دنو رو ځمکی په دهقانی (کشتمندی) نیمسی له گروی، قرضداری، عوارضو، بیکار یو د بشاره نواو ځلکو د سودخوره او ملاکانو او له نوره فیو دالی تکا لیفو خنځه د فوری خلاصون لپاره د مو کرا تیکو قوانین او مقررات هماکل کیهی او زر تر ۳ ده د تطبیق ۸ گر ته را ایستل کیهی، دغه قوانین او مقررات دا جاره داری او بز گری روابط او مناسبات د بی ځمکوا او لپ ځمکو بز گرانو په گهه د فیو دالی زده و منساپاتو دور کول به مقصد له بیخه اصلاح کوی .

مرا مدمو کرا تیک...

۱۴- حمایه صنایع دستی و کمک باهله حرفا و پیشه و ران بوسیله اعطای کریدههای کم رباع طویل المدة از راه ایجاد کو پرا تیکها .

در زهینه انکشاپ زراعت و اصلاحات ارضی :

نفوس افغانستان هرسال رو با فزايش است و تو لیدات زراعتی باين رشد هم آهنگی ندارد . بحران دائمی در زمینه قلت مواد زراعتی و عقب ماندگی حیات دهقانی، استثمار توده های عظیم دهقانان از جمله مسائل حاد روز است .

عملت عمده و اساسی این وضع تسلط طرز تو لیدز راعتی عقب مانده قرون وسطایی و رو ابط تو لیدی کهنه فیو دالی است که از طرفی قادر بتمامین نیازمندیهای استهلاکی مردم افغانستان نیست و از طرف دیگر روز بروز تضاد بین ملاک و دهقانان را تشیدید میکند .

برای ترقی اقتصادی و اجتماعی کشود و تعمیم دمو کراسی و انکشاپ قوای تو لیدی زراعتی، حذف مناسبات تو لیدی کهنه زراعتی موجود از طریق اجرای اصلاحات دمو کرا تیک ارضی شرط ضروریست .

بمنظور انجام اصلاحات اساسی و دمو کرا تیک ارضی حکومت دمو کراسی ملی ایقای اصول کلی ذیل را بر اساس مطالعات دقیق علمی مورد عمل قرار میدهد :

۱- اجرای اصلاح اساسی ارضی بر مبنای عدالت اجتماعی باشترانکه هم دهقانان و بنفع مستقیم دهقانان کم زمین و بی زمین (بز گران) افغانستان و وضع قوانین دمو کرا تیک و مترقبی که چمیع نظامات و مؤسسات فیو دالی دا ملغي قرار دهد، استثمار و فقر دهقانان ذمته کش دا از دیشه محو سازد و سطح محصولات زراعتی کشود را بیزمان وسیع افزایش دهد .

۲- حمایت و کمک به زمینهای خرد و متوضو تضمین مالکیت آنان تا از زمینهای خود بصورت صحیح و کامل بهره برداری کفند و سطح حیات اقتصادی و کلتوری شان بالا بروند .

۳- برای خلاصی فوری دهقانان خرد و متوضو بشمول اجاره داران و دهقانان یکه ذمین را به دهقانی (کشتمندی) میگیرند از گروه داری، قرضداری، بیگاری و عوارض و دیگر تکالیف فیو دالی ملاکان و سودخوران شهر و ده قوانین و مقررات دمو کرا تیک وضع میشود و هر چه ز و د تر در مساحه تطبیق قرار میگیرد . این قوانین و مقررات مناسبات رو ابط اجاره داری و دهقانی را بنفع دهقانان بی زمین و کم زمین بمقدار طرد مناسبات کهنه فیو دالی از دیشه اصلاح می نماید .

۴- از زمینهای با بریکه از طریق سرمایه گذاری دولتی دهقانان و یا بدھقانان کم زمین و بی زمین و کوچیان براساس کو پرا تیکهای زراعتی توزیع میگردد .

۵- انجام اصلاحات دمو کرا تیک ارضی جدا ایجاد مینماید که تائیهست و ایجاد کو پرا تیکهای فروش و خرید و تو لید دهقانی در سراسر مملکت از طریق رهنمایی و نظارت دمو کرا تیک دولت و تشویق و بیداری دهقانان بوجود آید . بدین ترتیب تأمین تمام تسهیلات لازم از قبیل افزار و ماشین آلات زراعتی، میکانیزه کردن و عصری نمودن سیستم زراعتی بمقدار بالا بردن سطح حاصلدهی کار، استعمال کود کمیا دی، تنظیم قیمت عادلانه محصولات زراعتی، تهیه بازار فروش، اصلاح تخم و دفع آفات زراعتی و کمکهای علمی و فنی از طریق همکاری متقابل مؤسسات کو پرا تیکی دهقانان و دولت میسر گردد . این امور منجمله از طریق ایجاد بانک قوی زراعتی از طرف دولت بدادن تقاضا و کریدههای کم رباع طویل المدة باشرایط مساعد بعمل می آید .

۶- اصلاح شبکه ها و انکشاپ آبیاری برای زمینهای کم آب و زمینهای با بریه حفر کاریزها، چاهای عمیق، کاتالها و اعمار سدها و بندههای امور اهم دادلی انکشاپ زراعتی مملکت بحساب میرود .

در ساحة مالداری و حیات کوچیها :

۷- بر اساس اصلاح دمو کرا تیک ارضی رو ابط کهنه فیو دالی شباهی برای تأمین منافع و نجات چو بانان ذمته کش از ستم مالداران بزرگه برو ابط جدید تبدیل شده و بمقدار انکشاپ و ترنی و مالداری، تهیه و اصلاح چراه گاه و اصلاح نسل حیوانات و دفع آفات حیوانی از طریق تاسیس کو پرا تیکهای مالداری قریبیات لازم گرفته میشود .

۸- حل مسأله فوری کوچیها و حیات قبیله ای بشیوه دمو کرا تیک و اسکان و هرا قبیله کامل در تشویق و رهنمایی آنها بزندگانی زراعتی و صناعتی و بهبود حیات اجتماعی آنها امر ضروری انکشاپ اقتصادی، ترقی اجتماعی و استقلال ملی کشور محسوب میگردد .

(دینی محظوظ)

د (حمله) دموکراتیک...

در ساحه اصلاح تجارت و مالیه:

یکی از عوامل ضعف اقتصادی مملکت و نفوذ استعمار جدید و امپریالیستی اینست که تجارت خارجی ما در دست عده محدودی از نایابندگان کمپنی های انحصارات خارجی و تاجران بورگت محبتکر و کمپرا دور داخلی خارجی قرار دارد. اینها در بدل صدور مواد خام، اموال و اجناس غیر ضروری و غیر

اقتصادی را به مقصد منعمت چوبی خوبی وارضی تفاخرات قشر های تجمل پرست وارد نموده و درنتیجه موجب اسراف، فراد سرمایه و اسعار مملکت میگردد وهم برشد صنایع ملی واستحکام استقلال اقتصادی لطمه سکینی وارد میسازد. برای رفع این ناقصین حکومت دموکراسی ملی از سیاست تجاری ذیل پیروی میکند:

۱۳- توأم با سوق سرمایه تجارت در ساحه صنعت و تولید ماشین آلات به مقصد ایجاد و تقویت صنایع ملی و توسعه تولیدات داخلی و کنترول تجارت با سیاست گرد کی حمایت و توسعه سیستم تجارت بارتری، تجارت خارجی ملی میگردد.

۱۴- اکشاف تجارت داخلی به مقصد استقرار بازار، توسعه و افزایش تولیدات داخلی و تثبیت قیم اموال در بازار داخلی و رفع اختیارات عمومی از راه تنظیم تشبیثات تاجران داخلی و حمایت تاجران کوچک و متوسط در مقابل تاجران بورگت و کمپرا دور.

۱۵- امور مالی و بودجه دولتی باید بروی اصول دموکراتیک و مترقبی طبق مصالح خلقهای معروف کشور به مقصد اکشاف اقتصادی و ترقی اجتماعی اصلاح گردد و باز سنگین مالیات غیر مستقیم از دوش مردم برداشت شد و بمالیات مستقیم اهمیت درجه اول داده شود و از طبقات دارا و نرمند بر اساس عدالت اجتماعی مالیات اخذ گردد.

سوم: امور اجتماعی

ملت آزاد بخواه اتفاق نستان ۴۷ سال قبل با استقلال سیاسی نايل آمد ولی نهضتهای مردم آن به مقصد رفاه و ترقی اجتماعی و تأمین آزادیهای دموکراتیک بنا بر عوامل ارتیاع و استبداد داخلی و توطئه و دسایس امپریالیزم بین المللی باشکستهای توأم با قراینهای فراوان مواجه شد. از آن تاریخ تا کنون خلقهای ذهنی کش کشور یعنی کارگران، دهقانان و منورین ترقی بخواه از نظر اقتصادی و اجتماعی تحت ستم و فشار طبقات حاکمه فیودالی، تجارتی و بورگری همچنان در شرایط دشواری ذندگی میکنند. شاخه سطح ذندگی خلقهای پر استعداد افغانستان با این ترین سویه حیات رادر قطار ملک جهان نشان میدهد و بنا بر سیاستهای اجتماعی و استبدادی، کارگران و دهقانان از حق تشکیل ارگانهای نشراتی، اتحادیه ها، احزاب سیاسی و اعتصابات که سلاجمای دفاع حقوق و منافع طبقاتی اجتماعی و فرهنگی آنان بشمار میروند معرفه اند. قوانین ترقی و تکامل اجتماعی حکم میکند که با بد هر چه زندگانی و وضع تغییر کند و مذاهب جدید بر اساس تطبیق پروگرام اصلاحی ذیل برقرار شود:

۱- بر مبنای اصل حق کار برای تمام افراد مستعد بکار برآورده شد و از حداقل دستمزد و معاش که رفع نیاز مقدمهای لازمی مادی و معنوی آنان را کرده بتواند کار تهیه گردد. تأمین حق کار و از بین بردن بیکاری صرف از طریق تعيیض مشابهات تو پیدی کهنه بمناسبات جدید که منجر برآمد سریع قوای تو پیدی کشور میگردد امکان پذیر میباشد.

۲- به مقصد تأمین مصونیت کارگران و شرایط مساعد کار و تحصیل حقوق عمومی وضع دارای قوانین و مقررات آن ضروری است:

-- حق استراحت از طریق اجرای ۲۴ ساعت کار در هفتگه برای شعب مختلف کارگران و تقلیل بازهم بیشتر ساعت کار در رشته هایی که شرایط اجرای آن سخت و دشوار بوده و بکارگران لطمه روحی و جسمی وارد میکند. جهت تکمیل حق استراحت برقراری مرخصیهای همه ساله با استفاده از دستمزد بکارگران تأمین گردد.

-- برای همه ذهنیتکشان در حالت پیری، بیماری و معمو بیت ناشی از حوادث کار بیمه های صحی و اجتماعی از طرف دولت و بحساب دولت یاموسات مر بوطی بجود آید.

-- با بد کار اطفاییکه کمتر از ۱۵ سال دارند منع قرار داده شود و برای ذهنیتکشانیکه سن آنها بین ۱۵ و ۱۸ است روز کار تابع ساعت پایان آورده شود.

-- مبارزه در راه بر سمت شناختن حقوق و تطبیق قوانینیکه در آن کارگران و تمام ذهنیتکشان به مظلوم دفاع از منافع و حقوق خود و به مقصد تربیه رو حیة تشکیلاتی و بیداری شهود طبقاتی بتوانند از حق مقتضی شدن در اتحادیه های صنعتی و کارگری داشتند اعتصاب و انعقاد قرارداد دسته جمعی بهره میشوند.

-- برای حل اختلافات میان کارگران و کار فرمایان و مراقبت در اجرای صنیع قانون کار محاکم بیطریق تشکیل گردد که در آن نایابند کارگران اشتراك داشته باشد.

(قیمة صفحه ۱۵)

۸- به هفو شاد و حمکو کشی به چه دو لب برای کناره ای او خادمی می ستد آبادی برای دکر هنی و نه کر هنی دولتی لوی فارمونه احداث شوایبا به دزرا عنی کو برای تیغونه داده ای اسما س بی همکو، لب همکو بز گر ایو او کو چیا نو ته وویشانی شی.

۹- دمکو د دموکراتیکو اصلاحاتو سرتهدسول به جدی تو گهدا یجا بوی چه به قول هیواد کشی ددهقانی دتلید اود بلور لواه برپا لود کو برای تیغونه هشت دولت ددمو کراتیکی لاربیونی اونظار اود بزرگرانو دتشوبق او بیدا ری لداری منع ته راشی خوبه دی ترتیب قوای لازمی آسانیتا وی لکه: دکر هنی ابزار او ماشین آلات، دکار دحاصل دهی دسطی دلوهه او بامقصود دزرا عنی عصری او میکانیزه کول، دکیمیاوی سری استعمال، دزرا عنی مجهولا تودقیمتو نو عادلانه تنظیم، دبلور لو دبازار تهیه، دتفم سمون او دزرا عنی آفتو نوی نیوی د دولت او ددهقانی کو برای تیغونه دمکو سو تر منع دمقابله همکاری، لاری علمی او فنی مرستی تأمین شی دغه چاری منجمله دولت لخوا دقوی دزرا عنی بانک دایجاد لو او به مساعدو شرابیطو داوددی مودی او ایر گتو دکرید تو او تقابو بو بهو ر کو لو سر ته رسینی.

۱۰- دشاد او بی او بی همکو دباده دکاریزونو، زو رو خاگان او کانا لونو به کینه دلواه بندونو به جودولو، داوبو لکولو دشبکو اصلاح او اکشاف دهیو اد دکر هنی دبر مختنک دباده له لومی نیو او مهمو چارو خنده همیل کیهی.

د کوچیانو دزروندانه او همالداری په ساحه کشی:

۱۱- دمکو ددمو کراتیکی اصلاح به اساس به چوپانی، ما قبل فیو ۱۸ لی زا مه رو ابط دلوی ما لدارانو له ستم خنده دزیار ایستو نکوشینو دخلاصون او دهند گهود تأمین دباده به نویو رو ابطو بد شی، اود و ترنی او ما لداری دودی به مقصد به دخیر خایونو دتهیی او سمون، دخیوانا تو دنسی داصلاح او دجیوانی آفاتو دلیری کو لو دباده دمالداری دکو برای تیغونه دلاری لازم تریبات و نیول شی.

۱۲- به دمکو ددمو کراتیکه تو گه د کوچیانو دمسالی او قبیلوی ز و نه فوری حل، زرا عنی او صنعتی زوند ته دهند و دشیونی او لاربیونی بوره مراقبت او دهند میشند کول، ددوی داجتماعی زوندبه والی دهیواد دملی خبلوا کی او اجتماعی تر قی دانکشاف یوضر و دی ها مل گفیل کیهی.

د تجارت او هایی دسمون په ساحه کشی:

به هیواد کشی داقتصادی کمزوری او نوی استعمال او امپریالیزم دنفو ذبو عامل دادی چه زمونه خارجی تجارت دیو شمیر محدود و خارجی اعضا دی کمپنیو دنما یندگانو، داخلی او خارجی لوبو میتکرو او کمپر ادوار سودا گرو به لاس کشی دی. دوی د خامو ماد د صادر و دلخواه شد کهنه غیر ضروری او غیر اقتصادی اجتناس دخپلو گتو او تجمل پرستو قشرونو دتفا خرا تو په مقصد گر هنی او همدادار نکه داقتصادی استقلال او دملی صنایع او استحکام او وی ته دراند ضرر و نه و د بیضوی. ددهن نیمکتی تیاق دلیری کو لو دباده ملی دمکو کراسی حکومت دلاندی تجارتی سیاست پیروی کوی:

۱۳- دصنعت خواته دتجارت سرمایی به لیبر دلو او دملی صنایعو د تقویی او ایجاد په مقصد دماشین آلاتو په تو رید، د داخلی تو لیداتو به پر اخو لو او دکر کی حمایوی سیاست به واسطه دتجارت کنترول او د بارتری سیستم دتجارت به پر اختما سره، خارجی تجارت ملی کیهی.

۱۴- دداخلی تجارت اکشاف، دبازار داستقرار به مقصد دد اداخلی تو لید بیربندت او پر اختما، به داخلی بازار کشی دمالونو دبیو تثبیت او دعوه مومی اهتمای دلیری کولو دباده دداخلی تاجرانو دتشبنا تو تنظیم، او دلو بیو کمپر ادوار تاجرانا تو په مقابله گشی دو دهند و متوسطو تاجرانو حمایه.

۱۵- دلیتی مالی چاری او بودجه باید به دمکو کراتیکه او مترقبی تو گه او دهیواد دهند و خلکو به گهه داقتصادی اکشاف او اجتماعی ترقی به مقصد اصلاح شی او دغیر مساقیمو مالیاتو دروند بار دخلکو له او دو رابکتنه کیهی شی. مساقیمو مالیاتو ته لومی درجه اهمیت و دکر کیهی شی او له شتمنوا او به چو طبقاتو خنده دی اجتماعی عدالت به اساس مالی و اخسته شی.

دریم: اجتماعی چاری

داغستان آزادی غوښتونکی ملت ۴۷ کاله بخوا به خپل سیاسی استقلال برایانی شو. مکر اجتماعی هوسابی او ترقی او ددمو کراتیکه آزادیو دتفا مین په مقصد دخلکو نهضتوه دداخلی ارتیاع او استبداد او دین امللی ا مپریالیز (باتی به ۷۷ مخ کشی)

